

وب سایت استاد موسوی



تاریخ روز : ۰۷ / ۰۴ / ۱۳۹۷

تاریخ ثبت : ۰۷ تیر ۱۳۹۵

عنوان : پذیرش دین از تفکر بشر است یا از تعصب او؟ (شماره 1)

«بسمه تعالی»

پذیرش دین از تفکر بشر است یا از تعصب او؟ (شماره 1)

اصل بحث برگرفته از سلسله مباحث تحقیقی استاد سید علی موسوی پیرامون این پرسش است که: پذیرش دین از تفکر بشر است یا از تعصب او؟

معظمه می‌فرمایند: ای عالم بدان! آن که درونش پر از دین علمی بر پایه تفکر باشد نه دین تعصبی در هیچ شرایطی از دین جدا نخواهد شد! آن که با پایه‌های علمی و تحقیقی دین را پذیرفته باشد در این روزگاران که روزگار رامش‌گری‌ها و رقص‌های ظواهر عالم است در هیچ شرایطی از دین حقیقی باز نخواهد گشت!

بشریت به این عالم نیامده که چون روزگار ماشینی‌زم هر چه بر او بنگارند بپذیرد، نه! بشر باید زنده فکر کند نه مرده! فکر نو و حرکت نو باید در عالم حاکم باشد منتهی با الگوهای حقیقت! که اگر الگوهای حقیقت (ولایت، نبوت و عصمت) نباشد عالم در خلاء خواهد بود. همان خلای که نهر و نیز از آن سخن گفته است، خلای که وقتی به ملاء برسد همه بی‌قیدها را به قید حقیقی خواهد کشاند!

آری، نهر در اوایل جوانی بی‌قید بود. در اواخر عمر تغییر حالی پیدا کرد یعنی روح لطیفی یافت و به فکر فرو رفت. از او پرسیدند که چرا در تفکری؟

گفت: خلأ را هم در جهان می‌بینم و هم در درون خودم؛ یعنی درون من خالی است و پی یک حقیقت می‌گردم. گفتند: آن خلاء چیست؟

گفت: آن فقط یک معنویت است. مادامی که خلاء، ملاء نشود یعنی این خالی پر نشود دنیا در اضطراب خواهد بود و همه به جان هم می‌افتند و یکدیگر را نابود می‌کنند. قدرت‌ها پنجه‌هایشان بر مظلومین فرود می‌آید!

از او پرسیدند: آن خلاء چیست؟

پاسخ داد: آن «دین» است. اگر این خلاء دنیا پر از دین گردد، قدرت‌ها آرام می‌شود ولی اگر دین نبود قدرت مثل یک حیوان ستیز می‌کند که نام آن سادیسم دین است.

دین کارش این است که نمی‌گذارد آنکه پنجه‌اش قوی است به رُخ مظلوم فرود آید. اگر دین باشد و قوی هم باشد بعد از آن وجدان انسانیت و درستی نیز خواهد آمد، و الا اگر دین ضعیف بود وجدان هم در یک گوشه‌ای کز می‌کند. اینکه می‌بینید اکثر مردم نه به پدر و مادر نه به فامیلشان رحم می‌کنند این‌ها ظاهراً دین دارند اما فقط ظاهر دین است. کل دنیا نیاز به دین دارند تا بتوانند خودشان را تنظیم کنند.

اکنون بر آن شدیم که پیرامون اصل دین و واژه دین اندکی به تحقیق بپردازیم.

لغت دین چیست؟

- 1- دین را در زبان اوستا دئنا گویند. گاه می‌گویند فلان کس دین دارد، اگر این واژه را بشکافند به معنی «سنا» می‌باشد. سنا غیر از سپاس است، سپاس شرطی است و سنا لابشرط است، سنا ذکر یار است.
- 2- در زبان سانسکریت، دین را نام فرشته‌ای دانند.
- 3- گاه مجموعه قراردادی که انسان باید برآن عمل کند.
- 4- گاه دین به معنی انقیاد و گردن به فرمان نهادن است.
- 5- گاه دین به معنی جزاست (کما تدین تدان) چنان که به جای بیاوری من هم به جای می‌آورم.
- 6- دین به معنی حساب است، یعنی روز قیامت به حساب‌ها رسیدگی می‌شود.
- 7- و معنی دیگر دین کمال است، «و رضیتُ لکم الاسلام دینا» یعنی دین شما را کامل نمودیم.
- 8- در جای دیگر دارند که «دین» یعنی آنچه از درون جوشد نه اوامر و نواهی که از خارج به آن فرد ضربه زنند.

- 9- آنچه برای او سند است و الزام انجام دارد دین است.
- 10- دین قراردادی است که با جانش با خدایش بسته است نه یک فرع در کنار زندگی انسان!
- 11- معنی دیگر دین یعنی پذیرای فرمان حق بودن و انجام خواسته مولا.
- 12- دین یعنی آنچه هم اراده اش و عملش و بودنش او را آرامش می‌دهد.
- 13- دین یعنی آنچه آدمی انجام دهد و اضطرابش شسته شود.
- در رساله آل عمران بارقه یک صفحه 62 استاد می‌فرمایند: دین یعنی چکیده توحید، دین یعنی عصاۃ احدیت و شهد الوهیت، پس دین در حقیقت همان الوهیت و وحدانیت است.
- دین و طریقت چه زمان چهره پیدا کرد؟
- مارکس مولر که زبان شناس، خاور شناس و اسطوره شناس آلمانی بود گوید: زمانی که بشر از مادر متولد شد به توحید متوجه نبود و طبعاً به دین هم توجه نمی‌کرد.
- مولر گوید: قبل از پیدایش آتش، دین نبود، از زمان آتش به بعد توحید و دین پیدا شده است!
- اما فیلسوف متأله استاد سید علی موسوی می‌فرمایند: ما دلایلی داریم که همین دین که از آن سخن است قبل از پیدایش آتش هم بوده است. آری ما قبول داریم که آن‌ها مشرک بوده‌اند ولی ریشه توحید و دین از عصر حجر یا عصر آتش به بعد نیست، قبل از عصر حجر که عصر کشاورزی باشد، قبل از کشاورزی عصر گیاه‌شناسی و پیش از آن که عصر نیازشناسی از درخت‌ها و گیاهان بوده است، همان جا وقتی می‌خواستند به سوی گیاهی بروند با یک ذکر می‌رفتند! یعنی همین که می‌خواستند بروند گیاهی را از زمین بچینند با اعتقاد و با اطمینان می‌رفتند. همان اعتقاد اسمش توحید است، اسمش دین است که یقیناً پیامبرانی هم در بین آن ملت و مردم بوده است.
- جهان آتش، کشف آتش، جهان کشاورزی، جهان گاو آهن، جهان شیار و زمین کندن و دوران غار و مغاره‌ها همه رابطه‌ای بین خود و خدایشان داشتند، اسم همین را توحید و دین گذاشته‌اند، چرا رابطه‌ای بین خود و خدا داشتند؟ تا تسلی‌بخش‌شان باشد.
- ارتباط با خدا از طریق خواندن آوازهای جمعی، تلاوت دعاهایی مانند کهن‌ترین ادعیه‌ها مثل Paternuster (پاترنوستر) که یک ذکر بود که معنی‌اش با آن زبان و واژه‌های خودشان بود!
- معظم‌له تأکید می‌فرمایند: شما فکر می‌کنید دین همین است که الان می‌گوئیم: بسم‌ا... الرحمن الرحیم - الحمدل... رب العالمین؟ همین را بگوییم ما دیگر دین را گرفتیم؟! قبل از ما کسی با خدا کاری نداشته؟
- خیر، اینگونه نیست بلکه این ذکرها از صدها میلیارد سال پیش تاکنون بوده همین ذکر پاترنوستر یعنی پدر ما! این ذکر ربط و تسلی آن‌ها بوده است!
- ذکر دوم، کردو (K?rdow) یعنی توکل بر خدا باید کرد.
- سوم دعای Aveh Maria هرگاه می‌خواستند با خدا مرتبط شوند این ذکر را که یک صنم توحیدی بوده می‌خواندند!
- چهارم کروسیس! این تسبیح دسته جمعی بوده و بر آنند که دعای رسمی کلیساها از همین قاعده‌ها پیدا شده است.
- اصلاً چرا ذکر بگویند و چرا به توحید نزدیک شوند؟
- عده‌ای طبق آئین و آواهای خود بر آن بودند که باید معبود حقیقی را ستایش کرد و عده‌ای چون مارکس مولر و دیگران بر آن بودند که از ابتدای خلقت دینی وجود نداشته و بعدها پیدا شده و هدفشان این است که مردمان را از ربط با حضرت اله برانند و جلوی این کارها و امور دینی و مذهبی را بگیرند. این گروه مردم را متفرق و تشویق به ضد الوهیت می‌کردند مردم را به ستاره‌شناسی توجه می‌دادند به انواع الهه‌های مجرد یعنی به ارواح مردم را توجه می‌دادند.
- همة این امور قبل از ظهور دین اسلام بسیار به چشم می‌خورد اما وقتی که اسلام آمد، چون دین اسلام اعوجاج و ناراستی نداشت، فرقه‌ها و کیش‌ها و آئین‌های مختلف و صنم پرستی‌ها کم رنگ شدند! فتیشی‌ها، ماناها و اصنام و ... جای خود را به دین اسلام دادند!
- آری، مارکس مولر می‌گفت: دین پس از عصر آتش ظهور پیدا کرد. اما معظم‌له طی تحقیقاتی ناب، که اندکی از آن بیان شد، فرمودند: دین از زمان آدم صفی... بوده است. دین در حقیقت وابسته به توحید و همان احدیت

است و از زمانی که احدیت و توحید بود، دین هم بود ولی این دین آنگاه کامل شد که وجود نازنین رسول... (ص) و مولانا علی (ع) آمد. همانطور که در آیه چهارم از سوره مبارکه مائده آمده است: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی» یعنی نوح آمد، ابراهیم آمد، همه پیامبران پیشین آمدند دین را آوردند، حدود را آوردند اما همه ناقص بود. آنان آمدند تا دین را به وجود نازنین رسول... (ص) منتهی کنند، یعنی در دین احمدی همه اینها کامل شد! و به نهایت خود رسید، چرا که آورنده دین هر چقدر قویتر باشد پیامهای او هم قویتر است و اما امروز نیز با ولایت مولانا علی (ع) دین تکمیل شده است!